



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نكوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توره رای خیم شیمیل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنرا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توره

Vayelech

The Heart, the Home, the Text

وַיֵּלֶךְ: قلب، خانه، متن

موسی در پایان زندگی خود در حالی که به بنی اسرائیل ۶۱۲ دستور خدا را داده، آخرین دستور را به آنها می دهد که در تفسیر قبلی آنها دیدیم: "پس اینک این سرود را برای خود بنویسید و آنرا به بنی اسرائیل بیاموزید. آنرا در دهانشان بگذار تا این سرود، شاهد من باشد برای بنی اسرائیل." (تثنیه ۱۹:۳۱)

سنت شفاهی آنرا دستوری می داند مبنی بر این که هر یهودی باید یک سفر توره کامل یا بخشی از آنرا بنویسد. هارامبام این قانون را چنین توضیح می دهد:

هر فرد مذکر موظف است که یک تومار توره برای خود بنویسد، چنانکه آمده: "پس اینک این سرود را بنویس." یعنی "برای خود نسخه ای کامل از تورات را بنویس که این سرود را دربر داشته باشد." زیرا ما باب های جداگانه ای تورات را نمی نویسیم [فقط تورات کامل را می نویسیم]. حتی اگر کسی سفر توراتی از والدین خود به ارث برده باشد که شامل این سرود باشد، با این حال یک میصوا است که یک تومار برای خود بنویسیم و کسی که چنین کند مانند آن است که تورات را در کوه سینا دریافت کرده باشد. کسی که

نداند چگونه تومار را بنویسد، باید کاتبی استخدام کند تا این کار را برایش انجام دهد. هر کس که حتی یک حرف را تصحیح نماید، مانند آن است که تومار کاملی نوشته باشد. قوانین تورات، مزوزا و سفر توره، ۷: ۱ در این که موسی این قانون را آخر سر بیان کرد، امری رمانتیک نهفته است. زیرا مانند آن بود که به نسل آینده و نسل های بعدی بگوید:

گمان نکن که کافی است بگویی: "نیاکان من تورات را از موسی دریافت کردند. باید آنها بگیری و در هر نسل احیاء کنی."

و یهودیان چنین کردند.

قرآن یهودیان را "اهل کتاب" می نامد. این فهم عمیقی است. کل یهودیت عشقی گسترده بین قوم و یک کتاب است — بین یهودیان و تورات. هیچ گاه ملتی کتبی را بیش از این دوست نداشته و احترام نگذاشته است. آنها این کتاب را خواندند، آموختند، و چنانکه گویی عروس باشد، با آن رقصیدند. اگر خدای ناکرده به زمین می افتاد، روزه می گرفتند. اگر سفر توراتی دیگر برای استفاده مناسبی نباشد، مانند خویشاوندی که در گذشته باشد، آنرا به خاک می سپرند.

هزاران سال تفسیرهایی در قالب باقی تنخ بر آن نوشتند. هزار سال میان موسی و ملاخی، آخرین انبیاء یهود فاصله بود و در آخرین فصل کتاب های نبوت ملاخی از زبان خدا آمده: "تورات خدمتگزار من موسی را به یاد داشته باش و احکام و قوانینی که در کوه حورب برای همه ی اسرائیل به او دادم، بیاموز." سپس در هزار سال دیگر بین آخرین انبیاء و تکمیل تلمود بابلی، تفسیرهایی به تفسیرهای قبلی نوشتند در قالب اسناد میدراش، میشنا و گمارا به صورت تورات شفاهی. سپس طی هزار سال دیگر از گائون ها تا ریشونیم و اخرونیم، تفسیرهایی به تفسیر آن تفسیرها در قالب رساله، مجموعه قوانین و آثار فلسفی نوشتند. تا دوران مدرن که هر متن یهودیت، مستقیم یا غیرمستقیم، یک تفسیر تورات بود.

برای صد نسل، تورات بیش از یک کتاب بود. نامه ی عاشقانه ی خدا به یهودیان بود، هدیه ی کلام او، عقد و ازدواج میان آسمان و مردم یهودی بود. پیوندی که خدا هیچ گاه آنها را نمی شکند یا منحل نمی کند. داستان ملتی بود با قانون اساسی نوشته شده ی آنها همچون ملتی زیر سروری خدا. وقتی از سرزمین خود تبعید می شدند، تورات تبدیل به سند

اثبات وعده‌ی گذشته و امید آینده شد. در عبارتی درخشان شاعر، هاینریش هاینه، تورات را "سرزمین پدری قابل حمل یهودیان" نامید. به بیان ژرژ استاینر: "متنی که خانه است و هر تفسیری یک بازگشت به آن."¹

یهودیان، پراکنده، پخش، بی سرزمین و بی قدرت، تا زمانی که به عنوان یک یهودی تورات را داشتند، در خانه‌ی خود بودند، اگر نه به صورت فیزیکی، ولی از نظر روحانی. زمان‌هایی بود که تورات تنها چیزی بود که داشتند. از این روی عبارت تأثرانگیز اشعار دینی نهیلا در پایان یوم کیپور را می‌خوانیم:

"Ein lanu shiur rak haTorah hazot" به جز این تورات هیچ برایمان باقی نمانده است.

تورات دنیای آنها بود. بنا به یک میدراش، تورات معماری آفرینش بود: "خدا به تورات نگریست و دنیا را خلق کرد." بنا به سنت دیگری، کل تورات یک نام واحد و عرفانی خدا بود. به قول حکیمان تلمودی، تورات با آتش سیاه بر آتش سفید نوشته شده بود. ربی یوسی بن کیسما که توسط رومیان به جرم تدریس تورات در ملأ عام دستگیر و محکوم به اعدام شد، درون تومار توراتی پیچیده و به آتش کشیده شد. وقتی در حال مردن بود، شاگردانش از او پرسیدند چه می‌بیند. او پاسخ داد: "تومار شعله‌ور را می‌بینم، اما حروف آن پرواز می‌کنند [به سوی آسمان] (عوودت زارا ۱۸ الف).

شاید رومیان تومار را سوزاندند، اما تورا آسب ناپذیر بود.

پس، در این ایده که موسی هنگامی که به پایان عمرش رسید، تورات نیز به پایان روایت خود رسید، قدرت عظیمی نهفته است. دستور نهایی باید دستور تداوم نوشته شدن و آموختن تورات و تدریس آن به مردم و "گذاشتن آن در دهان‌ها" باشد تا نه تورات مردم را رها کند و نه آنها تورات را فراموش کنند. کلام خدا باید میان آنها زنده بماند و به آنان زندگی بدهد.

تلمود داستان جالبی از داوود پادشاه می‌گوید که از خدا خواست به او بگوید چقدر عمر خواهد کرد. خداوند به او پاسخ داد که این چیزی است که هیچ موجود میرایی نخواهد دانست. بیشترین چیزی که خدا می‌توانست بر داوود آشکار کند، این بود که در یک روز شبات خواهد مرد. تلمود سپس می‌گوید هر شبات در تمام روز زبان داوود از آموختن تورات بازمی‌ایستاد.

¹ George Steiner, "Our Homeland, the Text," in *The Salmagundi Reader*, 99-121.

روزی که زمان مرگ داوود فرارسید، فرشته‌ی مرگ به مأموریت رفت، اما داوود را در حال مطالعه‌ی بی وقفه‌ی تورات یافت، از این روی نتوانست او را ببرد- زیرا تورات شکلی از حیات جاوید است. سرانجام، فرشته ناچار به حيله ای متوسل شد. سروصدایی در درختی در باغ قصر به راه انداخت. داوود از نردبانی بالا رفت تا منبع صدا را بیابد. یک نرده‌ی نردبان شکست و داوود افتاد و لحظه ای از آموختن بازماند. در آن لحظه او از دنیا رفت (شبات ۳۰ الف-ب). این داستان چه معنایی دارد؟ در ساده ترین سطح، روش بیان حکیمان تلمودی پیرامون نگاه دوباره به داوود پادشاه بیشتر به عنوان یک محصل تورات توبه کار است و کمتر همچون سردار قهرمان و بزرگترین پادشاه اسرائیل. بسیاری از اشعار مزامیر به ویژه ۱، ۱۹ و ۱۱۹ اشعاری هستند در وصف آموزش تورات، اما در سطحی عمیقتر، گویی سخن بیشتری برای گفتن دارد. داوود در اینجا نماد ملت یهود است. تا زمانی که ملت یهود هرگز از آموختن تورات بازنايستند، نخواهد مرد. معادل فرشته‌ی مرگ این قانون است که ملت های دیگر هرچند بزرگتر، سرانجام افول می کنند و از بین می روند، اما این قانون به مردمی صدق نمی کند که هرگز از آموختن بازنايستاده اند و هرگز فراموش نمی کنند که هستند و چرا هستند.

از این روی تورات با دستور آخر پایان می یابد - تداوم نوشتن و آموختن تورات. و این در رسم زیبای سیمخا توره تجسم یافته که یهودیان بیدرنگ پس از خواندن پایان توره به خواندن توره از ابتدا می پردازند. آخرین کلمه در توره اسرائیل است؛ آخرین حرف آن لامد است. نخستین کلمه‌ی توره برشیت است؛ نخستین حرف آن بت. بت پس از لامد، لو [همان لب] خوانده می شود، به معنای قلب.

تا زمانی که ملت یهود هیچ گاه از خواندن تورات دست نکشد، قلب یهودی بودن از تپش باز نمی ایستد. هیچ ملتی هرگز بیش از این یک کتاب را دوست نداشته است. هرگز هیچ کتابی مردمی را این همه مدت حفظ نکرده و تا به چنین اوجی نرسانده است.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیرین دخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org

[f](#) [t](#) [@](#) [v](#) @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved